

در پیچ‌وخم زندگی پرشتاب شهری، جایی که روزها به سرعت برق و باد می‌گذرند و آدمی در میان ازدحام مسئولیت‌ها، اخبار ناگوار و فشارهای اقتصادی گم می‌شود، پناه بردن به گنجینه‌های حکمت پیشینیان، نه یک تجمل فکری که ضرورتی انکارناپذیر است. حدیثی از امام محمد باقر^(ع) که فرمودند: «الکمال کل الکمال التَّقَهُ فِی الدِّینِ وَ الْقَبْرِ عَلَی النَّائِبَةِ وَ تَقْدِیرُ الْمَعِیشَةِ». همچون چراغی سه شعله، راه رسیدن به یک زندگی باثبات و آرام را پیش‌روی شهروند امروزی روشن می‌کند. این سه فرمان کوتاه، سه ستون برای ساختن بنای زندگی پایدار هستند.

تفقه در دین

نخستین رکن این کمال سه‌گانه، «تفقه در دین» است. برخلاف برداشت‌های سطحی که دین را به مجموعه‌ای از مناسک فردی فرو می‌کاهند، تفقه به معنای فهم عمیق، هوشمندانه و روزآمد، از اصول و ارزش‌های دینی است. در روزگاری که فضای مجازی انباشته از شایعه، خبر جعلی و تحلیل‌های احساسی است، تفقه یعنی گذر از پوسته ظواهر و رسیدن به هسته خردورانه دین. امام باقر^(ع) خود بنیان‌گذار دانشگاهی

عظیم در مدینه بودند و شاگردانی چون جابر بن یزید جعفی را پرورش دادند که حامل گنجینه‌های دانش بودند. ایشان در روایتی هشدارآمیز می‌فرمایند: «هرکه بدون بصیرت و آگاهی عمل کند، مانند کسی است که بیراهه می‌رود و سرعت گرفتنش، او را از مقصد دورتر می‌کند.» این فهم عمیق است که به ما قدرت تشخیص می‌دهد تا فریب ظاهرگرایی و هیاهوی تبلیغات مدرن را نخوریم و مسیر درست را در انبوه پیشنهادهای رنگارنگ فریبنده، گم نکنیم.

صبر بر نائبه

دومین رکن، «صبر بر نائبه» یا شکیبایی بر مصیبت است. مصیبت، تنها به معنای سوگ عزیزان نیست، نائبه هر رخداد ناخوشایند و فشار روانی گریزنابذیری است که تقدیر زندگی شهری بر دوش ما می‌گذارد، از ترافیک فلج‌کننده خیابان‌ها در ساعات اوج، تا موج‌های افسارگسیخته گرانی، از تنش‌های کاری و رقابت‌های فرساینده در محیط شغلی، تا بی‌عدالتی‌های روزگار، انسان بی‌صبر، در برابر هر یک از این ناملایمات، یا به پرخاشگری و خشونت خیابانی روی می‌آورد یا در گوشه انزوا، دچار افسردگی و ملامت

می‌شود. ام‌اصبری که امام باقر^(ع) آموزش می‌دهند، یک انفعال زجرآور نیست، بلکه مقاومتی خردمندانه برای گذراز بحران است. روایت‌ها نشان می‌دهند که امام در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی دوران اموی، با متانت و تدبیر، بزرگ‌ترین شبکه علمی تاریخ تشیع را بنیان نهادند. ایشان در کلامی دیگر می‌فرمایند: «خداوند به انسان مؤمن، ترکیبی از شباب و شکیبایی عطا کرده است.» این شکیبایی فعال، شهروند امروز را قادر می‌سازد تا به جای واکنش‌های مخرب هیجانی، درمیان دشواری‌ها، عقلانیت خود را حفظ کند و راه چاره را بیابد.

تقدیر معیشت

اما شاید کاربردی‌ترین و ملموس‌ترین رکن این حدیث، برای جامعه مصرف‌زده امروز، «تقدیر معیشت» باشد، یعنی مدیریت و اندازه‌داری در هزینه‌های زندگی. «تقدیر» در اینجا به معنای نفی کار و تلاش نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی، تعادل و قناعت است. مادر عصری زندگی می‌کنیم که صنعت تبلیغات، انسان را در چرخه‌ای بی‌پایان از خرید کالاهایی که نیازی واقعی به آن‌ها نیست،

می‌دهند، یک انفعال زجرآور نیست، بلکه مقاومتی خردمندانه برای گذراز بحران است. روایت‌ها نشان می‌دهند که امام در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی دوران اموی، با متانت و تدبیر، بزرگ‌ترین شبکه علمی تاریخ تشیع را بنیان نهادند. ایشان در کلامی دیگر می‌فرمایند: «خداوند به انسان مؤمن، ترکیبی از شباب و شکیبایی عطا کرده است.» این شکیبایی فعال، شهروند امروز را قادر می‌سازد تا به جای واکنش‌های مخرب هیجانی، درمیان دشواری‌ها، عقلانیت خود را حفظ کند و راه چاره را بیابد.

اما شاید کاربردی‌ترین و ملموس‌ترین رکن این حدیث، برای جامعه مصرف‌زده امروز، «تقدیر معیشت» باشد، یعنی مدیریت و اندازه‌داری در هزینه‌های زندگی. «تقدیر» در اینجا به معنای نفی کار و تلاش نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی، تعادل و قناعت است. مادر عصری زندگی می‌کنیم که صنعت تبلیغات، انسان را در چرخه‌ای بی‌پایان از خرید کالاهایی که نیازی واقعی به آن‌ها نیست،



حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر نوایی؛
واقعۀ مباحل و پشتوانۀ قرآنی آن تأکید می‌کند که اهل حق نباید از مقاومت دست بکشند، همان‌طور که پیامبر (ص) مقاومت کردند و حرف باطل را نپذیرفتند

سند حقایق اهل بیت (ع)

از مهم‌ترین آموزه‌های آیه مباحله، اثبات حجیت و حقایق اهل بیت^(ع) است، چون آیه از امیرالمؤمنین^(ع) با «أنفشتنا» یعنی جان پیامبر^(ص) یاد می‌کند، از حضرت زهرا مرضیه^(ص) با تعبیر «نشأنا» (زنان خاندان رسالت) و از امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) به «أبناءنا» یعنی فرزندان پیامبر^(ص) یاد می‌کند. اهل بیت^(ع) نیز بارها با استناد به این آیه، حقایق خود و خاندانشان را اثبات کرده‌اند، چنان‌که نقل شده است هارون عباسی به امام کاظم^(ع) عرض کرد: «شما چگونه می‌گویید ما نسل پیامبریم، درحالی‌که پیامبر نسل نبی است؟» زبیرنسل صرفا از طریق فرزندپسر است، نه دختر و شما فرزندان دختر پیامبر هستید؟» حضرت در بخشی از پاسخ، آیه مباحله را تلاوت کردند و فرمودند: «هیچ کس نگفته است که پیامبر^(ص) هنگام مباحله با نصاری، به جز علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین، شخص دیگری را به همراه آورده است، پس مراد از «فرزندانمان»، حسن و حسین، و مراد از «زنانمان»، فاطمه، و مراد از «خودمان» علی بن ابیطالب است.»

دفاع امام‌رضا(ع) از امام‌علی(ع) با آیه مباحله

شیخ مفید در گزارشی آورده است مأمون عباسی از امام رضا^(ع) خواست بزرگ‌ترین فضیلت امام‌علی^(ع) را که قرآن بر آن دلالت دارد، ذکر کند. حضرت در پاسخ آیه مباحله را قرائت کردند، مأمون عرض کرد، «خداوند در این آیه، فرزندان و زنان را به لفظ جمع آورده است، درحالی‌که پیامبر^(ص) فقط دوپسر و تنها دخترش را همراه خود آورده بود، پس دعوت از نفس (خود) فضیلتی برای امام‌علی^(ع) نیست.» حضرت ثامن الحجج^(ع) فرمودند: «آنچه گفتی، درست نیست، رسول خدا^(ص) در مباحله، مردی غیر از امام‌علی^(ع) را دعوت نکرد، پس ثابت می‌شود که وی نفسی است که مقصود خداوند در کتابش است و حکم آن را در قرآن، قرار داده است.»

حرف حق به گوش معاند نمی‌رود

نکته مهم دیگری که از این آیه برمی‌آید، آن است که قلب‌های غیرآماده و لجوج، استدلال و برهان را نمی‌پذیرند، چنان‌که امروز برخی مخالفان نظام جمهوری اسلامی و ولایت و تشیع، حاضرند دشمن بر سر کشور و هموطنانشان بمب بریزد اما دست از عناد و لجابت برندارند! باید قلب‌های مخالف را از اشتباه خارج کرد؛ چنان‌که پیامبر^(ص) چنین تلاشی کردند. در این مسیر، غرور و تکبر، لجابت و دشمنی طرف مقابل، نباید ما را متوقف کند تا دست از تلاش برداریم؛ به‌ویژه در شرایط کنونی که کشور با آن مواجه است، چنان‌که اگر پیامبر^(ص) امروز بودند، با برهان و استدلال و تبیین، سراغ مخالفان می‌رفتند و درصدد جذب و هدایتشان برمی‌آمدند.

اهل حق، ثابت‌قدم است

درس دیگری که می‌توان و باید از آیه مباحله گرفت، ثبات قدم، ایستادگی و پایمردی است. این واقعۀ و پشتوانۀ قرآنی آن تأکید می‌کند که اهل حق نباید از مقاومت دست بکشند، همان‌طور که پیامبر^(ص) مقاومت کردند و حرف باطل را نپذیرفتند. اگرچه مسیحیان نجران اسلام نیاوردند، مجبور به عقب‌نشینی شدند و صلح‌نامه نجران را که بسیار مهم بود، با پیامبر^(ص) امضا کردند و به پرداخت‌های مالی متعدّد شدند؛ ازجمله آنکه هر سال ۲ هزار دست لباس را در اختیار مسلمانان قرار دهند، ما نیز درمقابل جریان کفر و نفاق که امروز می‌خواهد ما را تسلیم و اهدافش را به ما تحمیل کند، باید ثبات قدم و ایستادگی داشته باشیم؛ نظیر آنچه مردم در این بیش از ۱۰۰ شب حماسه خیابان، انجام داده و دنیا را متحیر کرده‌اند. اگر امروز هم پیامبر^(ص) بودند، از این حضور مردم در خیابان و مقاومتشان حمایت می‌کردند.



طرح: علیرضا ذاکری



وقتی قرآن، علی (ع) را «جان پیامبر (ص)» نامید

ذی‌الحجه فصل درخشان تبیین فضایل علوی

گفت‌وگو:

آمنه مستقیمی، ذی‌الحجه علاوه بر آنکه ماه طواف خانه خدا و انجام مناسک حج ابراهیمی است، از بهترین فرصت‌های زمانی برای تبیین فضایل حضرت امیرالمؤمنین^(ع)

و اهل بیت رسالت و برکات این فضایل برای امروز ما نیز محسوب می‌شود؛ فرصت‌هایی مثل مباحله که آیه در شأن آن نازل شد و راه و بیراهه را برای همیشه نشان تاریخ داد. در بررسی این آیه شریف و آموزه‌هایش برای شرایط کنونی ایران اسلامی که درگیر جنگی ترکیبی است، با حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر نوایی، استاد دانشگاه و حوزه علمیه مشهد، گفت‌وگو کرده‌ایم.

حقانیتی که با نزول آیه، امضا شد

آیه مباحله (۶۱ آل عمران)، در پاسخ به مسیحیان نجران نازل شد، وقتی گروهی از آن‌ها برای گفت‌وگو با پیامبر^(ص) درباره ادعای رسالت ایشان به مدینه آمدند، رسول اکرم^(ص) پس از معرفی خویش، حضرت عیسی^(ع) را بنده‌ای از بندگان خدا معرفی کردند. اما مسیحیان متولد شدن عیسی^(ع) بدون پدر را دلیل بر الوهیت او دانستند و بر این باور اصرار کردند، لذا پیامبر^(ص) آن‌ها را به مباحله دعوت کرد و پذیرفتند. روز موعود وقتی رسول خدا^(ص) به همراه علی^(ع)، فاطمه^(ص) و حسین^(ع) برای مباحله حاضر شد، مسیحیان ترسیدند و از مباحله منصرف شدند و پذیرفتند که با پرداخت جزیه، بر دین خود باقی بمانند.

اسلام، اهل استدلال است، نه اجبار

این آیه آموزه‌های متعددی دارد که در زمان نزول و واقعۀ مباحله متوقف نمانده‌اند، بلکه در تاریخ جریان یافته و در نگاه‌ها گرگشایی کرده‌اند، از مهم‌ترین این آموزه‌ها، تأکید اسلام بر برهان و استدلال با افراد است؛ اینکه سعی نمی‌کند با اجبار و اکراه، حرف خود را به کرسی بنشاند و دیگران را وادار به پذیرش کند، بلکه مسیر بیان توحید، علم و فضیلت‌ها را برای ردن حرف حق خود انتخاب می‌کند و درنهایت نیز افراد را در انتخاب، مخیر می‌گذارد، همان‌طور که پیامبر^(ص) با مسیحیان نجران، استدلال و مباحثه کردند و چون هیچ راهی باقی نماند، مباحله را پیشنهاد دادند و در پایان بازهم آن‌ها را وادار به پذیرش اسلام نکردند. این سطح از سعه صدر در برخورد دینی، خوی بشردوستانه و معتقد به آزادی فکر و عقیده انسان‌ها را، به خوبی نشان می‌دهد.

توجه به آیه قنوت از زاویه‌ای دیگر

احمد عدالتیان! وقتی در دعای دست و قنوت نماز آیه شریف ۲۴ سوره بقره را می‌خوانیم که در پایان آیات، دستور چگونگی حج و عمره آمده است، از خداوند می‌خواهیم که در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کند: «رَبَّنَا اِنَّا فِیْ خَشْتِهٖ وَفِیْ الْاٰخِرَةِ خَشْتِهٖ وَفَقَّا عَذَابَ النَّارِ»، نیکی در دنیا می‌تواند شامل سلامتی، اموال و حتی علم باشد و نیکی در آخرت، نیز بهشت و رضایت الهی است که با خواندن این دعا در قنوت نماز (اهل سنت هم در تشهد نماز این دعا را می‌خوانند) از خداوند نیت و آرزوی خود را درخواست می‌کنیم.

اما نگاه به آیه قبل از این دعا، نکته جالبی را نمایان می‌کند. خداوند در آیه قبل می‌فرماید: «فَاِذَا قُضِيَتْمْ مِّنْكُمْ فَاَذْكُرُواْ اللّٰهَ الَّذِیْ كَرَّمَكُمْ بِآيَاتِهِۦم اَوْ اَشَدُّ ذِكْرًا فِیْمَنِ الْاِنْسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اِنَّا فِیْ الْاٰخِرَةِ مِّنْ خَلْقٍ» پس چون مناسک [حج] خود را به جای آوردید، همان‌گونه که پدرتان را [با فخر و غرور] یاد می‌کردید - بلکه [بهتر و] بیشتر از آن - الله را یاد کنید و برخی مردم [دنیا دوست] می‌گویند: «پروردگارا، در دنیا [مال و فرزند] به ما عطا کن!»، این شخص در آخرت، بهره‌ای [از نعمت‌های الهی] ندارد، نکته مهم اینجا، این است که معمولاً وقتی از خداوند پول و موفقیت در کارها را درخواست می‌کنیم، درخواست‌های مأمربوط به این دنیاست و شاید به ادامه مسیر و زندگی پس از این دنیا، توجه نداشته باشیم. اینجاست که خداوند به ما یادآوری می‌کند و آموزش می‌دهد که هرگاه خواستی از من چیزی دنیایی بخواهی، درکنار آن، حسنه‌ای در آخرت نیز درخواست کن و غافل نباش که باید از آتش دوزخ دور بمانی و بگو: پروردگارا، در دنیا نیکی به ما عطا کن و در آخرت نیز نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش نکه دار!

حکمت

اذن ورود به خزائن رحمت

علیرضا وکیل! از دعا در مکتب اهل بیت^(ع)، فریاد ذلت بنده نیست، بلکه اوج شأن کرامت انسان است. زمانی که خداوند متعال خود را شنوده دعاها (سامع دعا) و اجابت‌کننده (مجیب) معرفی می‌کند، درواقع راهی را به روی بندگان گشوده است که از طریق آن، می‌توانند به اقیانوس بی‌کران قدرت او وارد شوند. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در وصیت‌های نورانی خود، به‌ویژه در عهدنامه مالک اشتر و خطاب به امام حسن مجتبی^(ع)، مفهوم دعا را از یک درخواست مادی فراتر می‌برند و آن را «کلید خزائن الهی» می‌نامند.

حضرت می‌فرماید: «وَاعْلَمُ اَنَّ الَّذِیْ یَبْدُو خَزَائِنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ قَدْ اُذِنَ لَکَ فِی الدُّعَاءِ، وَ تَقَعَّلَ لَکَ بِالْاِیَّامِ... فَلَا یَقْبَلُکَ اِلَّا بِعَاقِبَتِیْهِ... وَ تَمَّا کَانَ تَاخِیرُ الْاِجَابَةِ لِیَكُوْنَ ذٰلِکَ اَعْظَمَ لِاَخْرِ السَّائِلِ»؛ و بدان آن‌که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین در دست اوست، به تو «اذن» دعا داده و «تکفل» (ضمانت) کرده است که اجابت کند... پس مبادا دیرکرد اجابت، تو را ناامید سازد... چه‌سایا تأخیر در اجابت برای آن است که پاداش درخواست‌کننده، بزرگ‌تر باشد.»

در این فراز، دوواژه کلیدی «اذن» و «تکفل»، سلوک معنوی را درگرو می‌کنند. «اذن» به این معناست که دعا، یک امتیاز و تشریف خاص است، خداوند ما را به حضور در بازگاه خود دعوت کرده و اجازه گفت‌وگو با خود را داده است. «تکفل» نیز یعنی او خود مسئولیت پاسخگویی را برعهده گرفته است. اما شاید مهم‌ترین درس این کلام برای انسان امروزی، تبیین راز تأخیر در اجابت باشد. امام^(ع) می‌فرمایند: «پس مبادا دیرکرد اجابت، تو را ناامید سازد... چه‌سایا تأخیر در اجابت برای آن است که پاداش درخواست‌کننده، بزرگ‌تر باشد. این نگاه، دعا را از یک معامله عجولانه و یک طرفه، به یک گفت‌وگوی عمیق و تربیتی تبدیل می‌کند. گاهی تأخیر در برآورده شدن حاجت، به‌خاطر آن است که خداوند می‌خواهد ظرفیتی ما را زیاد کند یا نیت ما را خالص‌تر سازد تا درنهایت، عطای فراتر از تصورمان به ما برساند، همان‌طور که در شرح معتبر آمده است. اجابت الهی لزوماً به معنای عین خواسته نیست، بلکه گاهی دفع بلایی بزرگ‌تر یا ذخیره‌سازی ثوابی عظیم برای آخرت است. بنابراین، مؤمن راستین، باطمینان به ضمانت پروردگار، در برابر سکوت یا تأخیر پاسخ، به یأس نمی‌غلطد، بلکه با شوقی بیشتر به مناجات ادامه می‌دهد.

بردار و بخوان

فراتر از سوگ: سفری به متن واقعۀ

وکیل! تاریخ را چگونه باید خواند، با اشک، با احساس یا با جست‌وجوی حقیقت؟ شاید یکی از دشوارترین پرسش‌ها درباره واقعۀ عاشورا همین باشد. درمیان انبوه روایت‌ها و نقل‌ها، یافتن متنی که هم به منابع وفادار باشد و هم بتواند خواننده امروز را به قلب حادثه ببرد، کار آسانی نیست. «مقتل مرمل بالدماء» تلاشی است برای نزدیک شدن به همین نقطه؛ جایی که تاریخ، روایت و تأمل به هم می‌رسند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد میرزا محمدی در دو جلد کتاب «مقتل مرمل بالدماء» سراغ یکی از رخداد‌های مهم و تأثیرگذار تاریخ اسلام رفته است، واقعۀ‌ای که قرن‌هاست درباره آن سخن گفته می‌شود، اما هنوز ظرفیت پرسش و بازخوانی دارد. این اثر را می‌توان در زمره آثار تاریخی پژوهشی عاشورایی قرار داد، کتابی که می‌کوشد رویداد‌های منتهی به عاشورا و حوادث روز دهم محرم را برپایه گزارش‌های تاریخی و مقاتل معتبر بازسازی کند.

آنچه این اثر را از بسیاری از روایت‌ها متمایز می‌کند، تلاش نویسنده برای حفظ پیوند میان عاطفه و مستندات تاریخی است. خواننده در این کتاب با مجموعه‌ای از گزارش‌ها، شخصیت‌ها، تصمیم‌ها و لحظات سرنوشت‌سازی مواجه می‌شود که هرکدام قطعه‌ای از جوزجین بزرگ عاشورا را شکل می‌دهند. نویسنده به جای آنکه صرفاً حادثه را بازگو کند، زمینه‌های شکل‌گیری آن را نیز پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد؛ از فضای سیاسی و اجتماعی زمانه گرفته تا انتخاب‌هایی که مسیر تاریخ را تغییر دادند. ایده مرکزی کتاب را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: فهم عاشورا تنها با دانستن اینکه «چه اتفاقی افتاد» ممکن نیست؛ باید فهمید «چرا» و «چگونه» آن اتفاق رخ داد. از همین روستا فراتر از یک گزارش تاریخی حرکت می‌کند و خواننده را به تأمل درباره مسئولیت، حقیقت‌جویی، وفاداری و هزینه‌ایستادن بر سر باورها دعوت می‌کند.

برای مخاطب امروز، اهمیت چنین کتابی، تنها در آشنایی با گذشته نیست. در روزگاری که حجم اطلاعات‌گاه‌جای فهم عمیق‌ر می‌گیرد، با گشت‌به‌روایت‌های مستند و دقیق، می‌تواند نگاه ما را درباره تاریخ، رسانه و حتی قضاوت‌های روزمره تغییر دهد. «مقتل مرمل بالدماء» به‌عنوان یک مناسبت آیینی، بلکه به‌عنوان یک تجربه انسانی و تاریخی، بازخوانی‌شود. شاید ارزش واقعی این کتاب در همین باشد که پس از بستن آخرین صفحه، خواننده احساس نمی‌کند با رویدادی متعلق به قرن‌ها پیش مواجه بوده است، بلکه با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شود که همچنان زنده‌اند؛ پرسش‌هایی درباره انتخاب، حقیقت و ایستادگی؛ پرسش‌هایی که هر نسل ناگزیر است پاسخ خود را برای آن‌ها پیدا کند.

